

Investigating the Moderating Role of Information Asymmetry on the Relationship between Tax Reducing Policies and Earnings Quality in Companies Listed on the Tehran Stock Exchange¹

Hadi Shayesteh², Alahkaram Salehi³, Saeed Nasiri⁴,

Mohammad Khodamoradi⁵

Received: 2022/01/21

Accepted: 2022/06/11

Research Paper

Abstract

Purpose: The purpose of this study is to investigate the moderating role of information asymmetry on the relationship between tax reduction policies and earnings quality

Methodology: In order to achieve the purpose, a sample consists of 120 listed companies on the Tehran Stock Exchange during 2010 to 2019 (1200 observations) was selected and the hypotheses were tested using multivariate regression model.

Results: Findings show that there is an inverse and significant relationship between tax reduction policies and earnings quality and the information asymmetry intensifies this relationship.

Conclusion: The existence of tax incentives to reduce taxable income affects the earnings quality and provides platform of managerial opportunistic actions in the information asymmetry circumstance.

Contribution: In the presence of information asymmetry, the risk of declining taxable profits through the application of tax-reducing policies increases, so earnings quality can be considered as an important factor for risk management in the field of tax accounting.

Keywords: Earnings Quality, Information Asymmetry, Tax Avoidance, Tax Evasion, Tax Profit Stability.

JEL Classification: M4, M41, H26, D82.

1. 10.22051/JAASCI.2022.39769.1683

2. Ph.D. Student, Department of Accounting, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. (Hadi.shayesteh@yahoo.com)

3. Assistant Professor, Department of Accounting, Islamic Azad University, Masjed Soleiman Branch, Masjed Soleiman, Iran. Corresponding Author. (A.k.salehi@iaumis.ac.ir).

4. Assistant Professor, Department of Accounting, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. (saeed-nasiri@iauahvaz.ac.ir).

5. Assistant Professor, Department of Statistics and Mathematics, Izeh Branch, Islamic Azad University, Izeh, Iran. (mohammad_moradi57@yahoo.com).



بررسی نقش تعدیل‌کنندگی عدم‌تقارن اطلاعاتی بر رابطه بین سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیات و کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران^۱

هادی شایسته^۲، اله کرم صالحی^۳، سعید نصیری^۴، محمد خدامرادی^۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۱

چکیده

هدف: هدف این پژوهش بررسی نقش تعدیل‌کنندگی عدم‌تقارن اطلاعاتی بر رابطه بین سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیات و کیفیت سود می‌باشد. **روش:** جهت انجام پژوهش، نمونه‌ای مشتمل بر ۱۲۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، طی دوره زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۸ مجموعاً ۱۲۰۰ سال/ شرکت مشاهده، انتخاب شد و فرضیه‌های پژوهش با استفاده از مدل رگرسیونی چندمتغیره آزمون شدند. **یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بین سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیات و کیفیت سود رابطه معکوس و معنادار وجود دارد و وجود عدم‌تقارن اطلاعاتی این رابطه را تشدید می‌کند. **نتیجه‌گیری:** وجود انگیزه‌های مالیاتی در جهت کاهش درآمد مشمول مالیات، کیفیت سود را تحت تاثیر قرار می‌دهد و در شرایط عدم‌تقارن اطلاعاتی، زمینه انجام اقدامات فرصت‌طلبانه مدیریت را فراهم می‌نماید. **دانش افزایی:** در شرایط عدم‌تقارن اطلاعاتی، ریسک کاهش سود مشمول مالیات از طریق اعمال سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیات، افزایش می‌یابد. بنابراین، کیفیت سود می‌تواند به‌عنوان عامل مهمی برای مدیریت ریسک در حوزه حسابداری مالیاتی قلمداد گردد.

واژه های کلیدی: اجتناب مالیاتی، فرار مالیاتی، پایداری سود مالیاتی، کیفیت سود، عدم‌تقارن اطلاعاتی.

طبقه بندی موضوعی: M4, M41, H26, D82

DOI: 10.22051/JAASCI.2022.39769.1683

۱. دانشجوی دکترا، گروه حسابداری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (Hadi.shayesteh@yahoo.com).
 ۲. استادیار، گروه حسابداری، واحد مسجدسلیمان، دانشگاه آزاد اسلامی، مسجدسلیمان، ایران. (نویسنده مسئول) (A.k.salehi@iaumis.ac.ir).
 ۳. استادیار، گروه حسابداری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. (saeed-nasiri@iauhvaz.ac.ir).
 ۴. استادیار، گروه آمار و ریاضی، واحد ایذه، دانشگاه آزاد اسلامی، ایذه، ایران. (mohammad_moradi57@yahoo.com).
 ۵. استادیار، گروه آمار و ریاضی، واحد ایذه، دانشگاه آزاد اسلامی، ایذه، ایران.
- jaacsi.alzahra.ac.ir

مقدمه

با توجه به شرایط اقتصادی ایران، یکی از با ثبات ترین منابع جهت تامین مالی دولت، وصول مالیات است. ضرورت پرداختن به بحث مالیات زمانی بیشتر می شود که بدانیم طبق سند چشم انداز بیست ساله کشور، تا پایان برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی کشور، دولت باید بتواند هزینه های جاری خود را از محل درآمدهای غیرنفتی که به طور عمده درآمدهای مالیاتی می باشد، تامین نماید. این در حالی است که آمارها نشان می دهند که درآمدهای مالیاتی سهم بسیار ناچیزی از منابع درآمدی کشور را تشکیل می دهد (ملکیان و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۹). به طوری که شاخص نسبت مالیات به بودجه عمومی کشور در بازه پژوهش بین ۳۱ الی ۳۸ درصد، در نوسان بوده است (پرهیزگاری، ۱۳۹۹: ۲) و این شاخص در ایران با میانگین جهانی فاصله زیادی دارد. میانگین سهم مالیات از کل درآمدهای دولت در کشورهای منتخب در سال های مختلف ۶۴ درصد بوده است. در این میان، هند با متوسط ۸۴ درصد بیشترین و ژاپن با متوسط ۳۹ درصد پایین ترین سهم مالیات از منابع بودجه عمومی دولت را دارا هستند (حسنی، زمانیان و رحیمی، ۱۳۹۵: ۴). بنابراین، دولت باید درصدد افزایش درآمدهای مالیاتی خود برآید و در این راستا، اهمیت مطالعات مربوط به مالیات و عوامل موثر بر درآمدهای مالیاتی دولت بیش از پیش نمایان می گردد (ترابی جهرمی، ۱۳۹۶: ۱۱). مالیات مخارجی است که بر کلیه واحدهای انتفاعی که به نوعی درآمدزایی می کنند، از جانب دولت تحمیل می شود. چنانچه شرکت ها به عنوان واحدهایی تلقی شوند که در راستای کسب سود و انتفاع فعالیت می کنند، می توان انتظار داشت که به دنبال راهکارهایی از جمله برنامه ریزی مالیاتی (شامل راه کارهای قانونی با عنوان اجتناب مالیاتی و غیرقانونی با عنوان فرار مالیاتی) برای کاهش مالیات پرداختی خود باشند (برادشاو، لیائو و ما، ۲۰۱۹: ۲۵۷).

از سوی دیگر، سود واحد تجاری، یکی از معیارهای تصمیم گیری است که برای کلیه استفاده کنندگان اهمیت خاصی دارد. بنابراین، تضاد منافع میان تهیه کنندگان اطلاعات و سرمایه گذاران، امکان استفاده از روش های مختلف پذیرفته شده حسابداری و کاربرد سود را در تصمیم گیری ها مورد تردید قرار می دهد که این امر، لزوم بررسی موضوع کیفیت سود را ضروری می سازد (رستمیان، خدایی وله زاقرد و حیدر، ۱۳۹۰: ۸۱). پس از رخداد رسوایی های مالی، تمرکز

صرف از رقم سود، به سمت کیفیت آن معطوف شده است. سودهای کم کیفیت، موجب افزایش هزینه سرمایه (کالن، خان و لو، ۲۰۱۲: ۲۶۹)، کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران و تصمیم‌گیری‌های نادرست آنان (اگبونیک و آدم، ۲۰۱۸: ۸۲). اعطای نادرست اعتبار از سوی اعتباردهندگان و تخصیص غیربهبینه منابع به طرح‌ها با بازدهی غیرواقعی می‌شود (محمدی اصل، منصورفر و شهبازی، ۱۳۹۷: ۱۳۰).

نقش اصلی اطلاعات حسابداری در بازارهای مالی فراهم کردن زمینه‌های لازم برای تخصیص بهینه منابع است. در پی رسوایی‌های مالی اخیر، اطمینان و اعتماد سرمایه‌گذاران به سیستم گزارشگری مالی ضعیف شده و کیفیت سود به عنوان یک عامل مهم در تعیین اعتبار و قابلیت اعتماد ارقام گزارش شده پدیدار گشت. در نتیجه، تعیین کیفیت اطلاعات حسابداری و نتایج حاصل از آن، مورد علاقه سرمایه‌گذاران، مدیران، قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردها است. بنابراین، با توجه به این موضوع که استانداردهای حسابداری انعطاف‌پذیری قابل ملاحظه‌ای را در کاربرد روش‌های حسابداری برای گزارشگری مالی فراهم می‌سازند، بررسی اینکه چگونه می‌توان سود سهامداران را حداکثر کرده و در عین حال منافع دولت را نیز حفظ نمود، یکی از موضوعات چالش‌برانگیز و قابل بررسی در ادبیات مالی و حسابداری است. در این راستا، سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیات از جمله موضوعاتی است که به این دو مقوله مربوط می‌شود. علاوه بر آن، در شرایط عدم تقارن اطلاعاتی بروز پدیده‌ها و سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیات تسهیل می‌شود، زیرا مدیران می‌توانند در جهت افزایش منافع خود، فرصت‌طلبی بیشتری داشته باشند. از آنجا که حسابرسان مالیاتی به علت محدودیت‌های موجود در حسابرسی رعایت، توانایی رصد کامل فعالیت‌های مالی شرکت‌ها را ندارند و حسابرسی رعایت در حجم بسیار پایینی صورت می‌گیرد و در محیطی که میزان اطلاعات نسبت به مدیران شرکت‌ها بسیار کمتر است، انگیزه برای افزایش استفاده از روش‌های کاهش‌دهنده و فرار از پرداخت مالیات بیشتر می‌شود (سپاسی و فتحی، ۱۳۹۴: ۵۸).

مبانی نظری و شواهد تجربی نشان می‌دهند شرکت‌ها سعی در کاهش و به تعویق انداختن مالیات بر درآمد خود دارند. در این ارتباط، اجتناب مالیاتی، فرار مالیاتی و پایداری سود مالیاتی با استفاده از نابرابری اطلاعاتی میان مودیان مالیاتی و سازمان امور مالیاتی ابزارهایی هستند که شرکت‌ها ممکن

است در صورت لزوم بسته به شرایط از آن‌ها استفاده نمایند (منصور فر، غیور و عباسی مولان، ۱۳۹۷ : ۱۷۴ و عسکری و عظیمی، ۱۳۹۷: ۱۸۰). با این وجود فعالیت‌های تقلیل‌دهنده مالیاتی شرکت‌ها به‌عنوان محرک رفتار شرکت‌ها به صورت ویژه مورد توجه قرار نگرفته است (نبوس، ۲۰۱۹: ۲۶۳). از سوی دیگر، اتکا سهامداران به اطلاعات مالی و حسابداری گزارش شده توسط شرکت از دغدغه‌های همیشگی آنها برای ارزیابی، پیش‌بینی و تجزیه و تحلیل اوراق بهادار و تصمیم‌گیری در مورد آن است. همچنین، مدیران ممکن است با هدف کاهش مالیات پرداختی از طریق اعمال سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیات، از یک سو، مبادرت به کاهش سود مشمول مالیات یا هموار نمودن آن اقدام نموده و از سوی دیگر، در شرایط وجود عدم‌تقارن اطلاعاتی، ابعاد کیفیت سود شرکت را برای تامین اقدامات فرصت‌طلبانه تحت تاثیر قرار دهند. بنابراین، با توجه به مطالب گفته شده ضرورت پژوهش‌هایی که بتواند اهمیت سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیات در کاهش مالیات پرداختی در ایران را مورد بررسی قرار دهد، به خوبی احساس می‌شود. بر این اساس، پرسش این پژوهش، بررسی این موضوع است که آیا سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیاتی بر کیفیت سود تاثیر منفی دارد؟ طرح چنین پرسشی از این موضوع نشأت می‌گیرد که در رابطه با سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیات بر کیفیت سود، پژوهش‌ها و شواهد بسیار اندکی وجود دارد. این موضوع پژوهشگران را بر آن داشته است که در این پژوهش به بررسی نقش تعدیل‌کنندگی عدم‌تقارن اطلاعاتی بر رابطه بین سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیات و کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بپردازند.

پژوهش‌های پیشین در ایران، اغلب به بررسی سیاست‌های تقلیل مالیاتی با مدیریت سود (جهانشاد و محمدی‌پور، ۱۳۹۴: ۴؛ ابراهیمی و احمدی‌مقدم، ۱۳۹۵: ۷۷؛ مشایخی و دلدار، ۱۳۹۵: ۳۳؛ غزنوی‌قصونی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱۱؛ صدیقی، ۱۳۹۹: ۱۶۹) پرداخته‌اند، اما تاکید این پژوهش بر تاثیر این سیاست‌ها بر کیفیت سود در شرایط عدم‌تقارن اطلاعاتی است. همچنین، با توجه به اجرای نهایی طرح جامع مالیاتی و تاکید بر حسابرسی مبتنی بر ریسک و با استناد به ماده ۹۷ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۹۴/تیر/۳۱ مبنی بر تایید اظهارنامه‌های دارای ریسک پایین بدون حسابرسی رعایت، متغیر کیفیت سود می‌تواند اساسی‌ترین محرک شناسایی این ریسک قلمداد شود. ضمن اینکه، انتظار می‌رود نتایج این پژوهش بتواند براساس آخرین دستاوردهای علمی داخلی و خارجی

موجب بسط مبانی نظری متون مرتبط با عدم تقارن اطلاعاتی، کیفیت سود و سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیات از طریق بررسی آثار روش‌های مختلف گریز و مدیریت مالیات پرداختی طی سنوات مختلف بر کیفیت سود حسابداری گردد و اطلاعات سودمندی را در اختیار سرمایه‌گذاران، دولت، مودیان مالیاتی، تحلیلگران مالی و مدیران جهت رسیدن به اهداف خود قرار دهد.

در ادامه پیشینه نظری و تجربی پژوهش، روش‌شناسی، یافته‌های پژوهش و بحث و نتیجه‌گیری ارائه شده است.

مبانی نظری

سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیات^۱

طبق قانون مالیات‌های مستقیم مصوب اسفند ماه ۱۳۶۶ و اصلاحیه سال ۱۳۸۰، اخذ مالیات در ایران فرآیندی است که با ابراز مالیات توسط مودی، از طریق اظهارنامه مالیاتی آغاز می‌شود و پس از طی مراحل تعیین شده، با وصول مالیات خاتمه می‌یابد. بخش عمده‌ای از مالیات‌های وصولی دولت از محل مالیات عملکرد اشخاص حقوقی تامین می‌شود. در این راستا، دولت به عنوان یکی از ذینفعان کلیدی شرکت‌ها، برای تشخیص میزان مالیات، بر اظهارنامه‌های مالیاتی که توسط مودیان مالیاتی تنظیم و تسلیم می‌گردد، تکیه می‌کند. به‌رغم تکیه دولت بر اظهارنامه‌های مودیان، مالیات ابراز شده با مالیات تعیینی در بیشتر موارد یکسان نمی‌باشد که اصطلاحاً به آن «شکاف مالیاتی»^۲ گفته می‌شود. شکاف مالیاتی از دو بخش عمده فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی تشکیل شده است. فرار مالیاتی زمانی رخ می‌دهد که مودی از گزارش درآمد مشمول مالیات مربوط به کار یا سرمایه خود خودداری می‌کند و دست به یک اقدام غیرقانونی می‌زند که او را در معرض برخورد قانونی از جانب مراجع مالیاتی قرار می‌دهد. در مقابل، اجتناب مالیاتی در چارچوب قوانین مالیاتی انجام می‌شود و مودی دلیلی برای نگرانی بابت کشف احتمالی اقدامات خویش ندارد (قادری، دیدار و کفعمی، ۱۳۹۴: ۱۷۳). از سوی دیگر، پایداری سود مالیاتی به عنوان یکی از روش‌های مدیریت سود مشمول مالیات، بیانگر این موضوع است که چه مقدار یا چند درصد از سود مشمول مالیات سال جاری در سال بعد نیز پایدار خواهد ماند (دیچو، جی و اسپرانند، ۲۰۱۰: ۳۹).

1. Tax Reduction Policies

2. Tax gap

پدیده‌های اجتناب و فرار مالیاتی به‌عنوان یک ضد ارزش می‌توان تهدیدی جدی برای تداوم زندگی اجتماعی و تحقق رفاه اجتماعی باشد و تبعات اجتماعی و اقتصادی و اثرات متقابلی را به همراه داشته باشد. بنابراین، شناخت عوامل بروز و تشدید این دو مقوله و ارائه راه کارها و پیشنهادهای علمی / کاربردی به‌ویژه در رابطه با اجتناب مالیاتی که از مجرای قانونی شکل می‌گیرد و کشف آن به مراتب دشوارتر از فرار مالیاتی است، امری اجتناب ناپذیر است (خواجهوی و کیامهر، ۱۳۹۵: ۸۸). در همین راستا، یافته‌های پژوهش ابراهیمی و همکاران (۱۴۰۰: ۱۹۹) مبنی بر عوامل اثرگذار بر سوگیری حساب‌رسان مالیاتی در قضاوت‌های حرفه‌ای نشان می‌دهد که قوانین و مقررات مالیاتی، صرفاً نمی‌تواند اهداف قانون‌گذاران را برآورده سازد. مقررات منصفانه و عادلانه مالیاتی، مستلزم نظارت و رسیدگی مجریان حرفه‌ای است و بدون مذاقه در خصوص این موضوعات، رسالت مالیات و مالیات ستانی محقق نخواهد شد. به‌طور کلی، علل شکاف مالیاتی، می‌تواند از دو دیدگاه ارزش‌آفرینی و نظریه نمایندگی مورد بررسی قرار گیرد؛ دیدگاه نخست، به این موضوع اشاره دارد که مدیران به منظور کاهش تعهدات مالی و صرفه‌جویی وجوه نقد، به دنبال کاهش مالیات پرداختی هستند. از این‌رو، از دیدگاه سرمایه‌گذاران این موضوع افزایش‌دهنده ارزش شرکت بوده و مدیران باید برای استفاده از این راه کارها، تشویق شوند و پاداش بگیرند (پورحیدری، فدوی و امینی‌نیا، ۱۳۹۳: ۸۸). در یک تحقیق مشابه، گوه و همکاران (۲۰۱۶: ۱۶۴۷) و کوک، موسر و اوامر (۲۰۱۵: ۱۱۰۹) دریافتند که اجتناب از مالیات، هزینه حقوق صاحبان سهام را کاهش می‌دهد و در نتیجه موجب افزایش ارزش شرکت می‌شود. براین اساس، نتایج حسن، لوبو و کیو (۲۰۲۱: ۲۰۹) نشان داد که شرکت‌های با سطوح بالای سرمایه‌سازمانی، سطوحی بیشتر از اجتناب مالیاتی را انجام می‌دهند و صاحبان سهام، اجتناب از مالیات را افزایش‌دهنده ارزش شرکت می‌دانند. همچنین، آن‌ها نشان دادند که اجتناب از مالیات عمدتاً در شرکت‌هایی که دارای حاکمیت داخلی خوب و شرکت‌هایی که دارای محدودیت مالی شدید هستند، ظاهر می‌شود. بر خلاف این دیدگاه نوبخت و نوبخت (۱۴۰۰: ۲۱) در پژوهشی دریافتند که اجتناب از پرداخت مالیات بر معیارهای حسابداری و اقتصادی عملکرد شرکت تاثیر منفی و معناداری دارد. به عبارتی، با افزایش اجتناب مالیاتی عملکرد شرکت کاهش یافته است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت، انتخاب استراتژی اجتناب از پرداخت مالیات به‌عنوان روشی برای جلوگیری از خروج منابع، تاثیر منفی بر عملکرد شرکت‌ها دارد که می‌تواند ناشی از استفاده نامطلوب از منابع حاصله از آن باشد، اما زمانی علل

شکاف مالیاتی به عنوان یک ضد ارزش شناخته می‌شود که ریشه ایجاد آن مربوط به دیدگاه دوم، یعنی نظریه نمایندگی مربوط باشد. دسای و دارماپالا (۲۰۰۶: ۱۴۸) بیان می‌دارند، مدیران راهبردهای پیچیده‌ای برای عدم پرداخت مالیات بکار می‌گیرند، با این بهانه که پایین آوردن مالیات به نفع سهامداران است تا از این طریق بتوانند منابع شرکت را به سوی منافع شخصی منحرف کنند و اینکه تحت این پوشش، تحریف‌های انجام شده در صورت‌های مالی را پنهان کنند. به عبارت دیگر، ارتباط و تاثیر هزینه‌های مالیات و سیاست تقلیل‌دهنده مالیاتی از دیدگاه تئوری نمایندگی نیز تفسیر و تعبیر می‌شود؛ به طوری که هیئت مدیره همواره به دنبال منافع خود و حداکثرسازی آن است و الزاما در جهت منافع سهامداران و دولت نیست. بنابراین، ممکن است در حوزه مالیاتی با اتخاذ سیاست‌های تقلیل‌دهنده خاص، مبادرت به ایجاد هزینه‌هایی برای سهامداران نماید (لانیس و ریچاردسون، ۲۰۱۳: ۸۹؛ گاربارینو، ۲۰۱۱: ۲۹۱ و لانیس و ریچاردسون، ۲۰۱۱: ۵۷). در همین رابطه طهماسبی خورنه و حیدری (۱۴۰۰: ۴۳) نیز در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه متقابل گریز مالیاتی و بازده سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از سیستم معادلات هم‌زمان (SLS3)، نشان دادند که بین گریز مالیاتی و بازده رابطه متقابل و مثبتی وجود دارد. یافته‌ها می‌تواند برای سیاست‌گذاران مالیاتی و همچنین، مدیران واحدهای تجاری از جهت تبیین چگونگی ارتباط بین گریز مالیاتی و بازدهی سهام مفید باشد.

به طور کلی، بر اساس نظریه فرصت‌طلبی مدیران و همچنین تئوری نمایندگی و تئوری منفعت و هزینه، می‌توان عنوان کرد که مدیران فرصت‌طلب به بهانه اجتناب از پرداخت مالیات، منابع را در جهت منافع شخصی خود هدایت یا برداشت نمایند. این مساله موجب می‌گردد منافع اجتناب از پرداخت مالیات کمتر از هزینه‌های آن گردد و در نهایت این سهامداران خواهند بود که این هزینه‌ها را متحمل می‌شوند (برادشاو، لیانو و ما، ۲۰۱۹: ۲۶۸).

سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیات و کیفیت سود

مالیات بر درآمد، یکی از موثرترین انگیزه‌ها، برای مدیریت سود است. زمانی که مقامات مالیاتی، قانون جدیدی را برای وضع مالیات تدوین می‌کنند، شرکت‌ها برای فرار از آن، از طریق انتخاب رویه‌های حسابداری، سود را کاهش می‌دهد (حسین زاده و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۴).

به طور کلی از دیدگاه پژوهشگران کیفیت سود از دو منظر کلی قابل بررسی است؛ از یک سو، سود واقعیت‌های اقتصادی شرکت را منعکس می‌کند و از این زاویه بیشتر بر توان نقدینگی شرکت متمرکز است (دیچو، جی و اسپراند، ۲۰۱۰: ۲۹) و از سوی دیگر، کیفیت سود بدان معنی است که گزارش‌های مالی دقیق و صحیح هستند و به صورت بی‌طرفانه عملکرد و موقعیت مالی شرکت را بیان می‌کنند، اما فعالیت‌هایی مانند محافظه‌کاری، مدیریت سود و سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیات که نتیجه انعطاف‌پذیری روش‌های حسابداری، انگیزه‌های مالیاتی، شکاف‌های قانونی و همچنین، روحیه فرصت‌طلبی مدیران می‌باشد، ممکن است بر کیفیت سود تاثیر گذاشته و قدرت پیش‌بینی سود را کاهش دهد، زیرا یکی از انگیزه‌های مدیریت سود، کاهش پرداخت‌های مالیاتی است (ابراهیمی و احمدی‌مقدم، ۱۳۹۵: ۷۹؛ پورحیدری و شفیع‌همت‌آباد، ۱۳۹۲: ۲۶؛ دسای و دارماپالا، ۲۰۰۶: ۱۵۱؛ ریگو و ویلسون، ۲۰۱۲: ۷۷۶؛ مک‌گوایر، نویمان و اومر، ۲۰۱۳: ۳۴۹؛ هاتچز و ریگو، ۲۰۱۵: ۵۵).

بن کریم، گایا و لاخل (۲۰۲۰: ۱۷۱۴) رابطه بین کیفیت سود و اجتناب مالیاتی شرکتی را با در نظر گرفتن محیط نهادی قانونی بررسی نمودند؛ نتایج آن‌ها نشان داد که کیفیت سود بالاتر، روش‌های اجتناب مالیاتی شرکتی را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، آن‌ها دریافته‌اند هنگامی که نهادهای قانونی در سطح کشور قدرتمند باشند، این رابطه به‌طور خاص قوی‌تر است. نتایج پژوهش‌های تجربی مبین این است که شرکت‌هایی که کیفیت سود بیشتری دارند، مالیات ابرازی خود را به درستی تعیین و شناسایی می‌نمایند و اختلاف مالیاتی در این شرکت‌ها کمتر می‌باشد. از سوی دیگر، می‌توان این‌گونه نیز تفسیر نمود که کیفیت سود مودیان، تاثیر مثبتی بر حسابرس‌های مالیاتی می‌گذارد؛ بدین صورت که حسابرس‌های مالیاتی، برای شرکت‌هایی که کیفیت سود بهتری دارند، مالیاتی نزدیک به مالیات ابرازی تعیین می‌نمایند و اختلاف مالیاتی در این شرکت‌ها نسبت به سایر شرکت‌ها کمتر می‌باشد. در همین راستا، اخترشناس، احمدی‌پاک و بهشور (۱۴۰۱: ۱۹) با بررسی تاثیر اختلاف سود حسابداری با درآمد مشمول مالیات بر کیفیت حسابرسی با تاکید بر نقش کیفیت سود دریافته‌اند که کیفیت سود بر رابطه بین اختلاف سود حسابداری با درآمد مشمول مالیات و کیفیت حسابرسی، نقش تعدیل‌کننده دارد، به نحوی که شرکت‌هایی که اختلاف سود حسابداری با درآمد

مشمول مالیات زیادی دارند، از کیفیت حسابرسی بیشتری برخوردار هستند. همچنین، اختلاف سود دفتری مالیات بیانگر یک معیار قابل مشاهده برای کیفیت سود می‌باشد که تصمیم‌های حسابرس را تحت تاثیر قرار می‌دهد. همچنین، بر اساس نتایج پژوهش خوشحال و خوشحال (۱۳۹۹: ۱۶۷) مادامی که شهروندان از حقوق خود در چارچوب قانون مطلع نباشند و یا از رعایت حقوق شهروندی خود ذیل قانون مالیاتی برخوردار نباشند، تمکین مالیاتی رخ نخواهد داد. حقوق شهروندی مودیان مالیاتی، از زمان بررسی وضعیت درآمد و به اصطلاح ممیزی مودی تا بروز اختلاف و قضاوت میان مودی و سازمان امور مالیاتی و همچنین، موارد مصرف مالیات پرداختی مودیان ادامه خواهد داشت. از طرفی، قانون اساسی و همچنین، قوانین مالیات مستقیم و مالیات بر ارزش افزوده، در خصوص حقوق شهروندی مودیان سکوت نکرده است، اما در این باب، مواد قانونی مشخص و صریحی برای رعایت حقوق شهروندی مودیان ندارد.

در هر صورت می‌توان ادعا کرد که افزایش کیفیت سود برای شرکت‌ها چندین پیامد مهم و مثبت دارد. افزایش کیفیت سود ضمن برآوردن نیازهای سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان و سایر گروه‌های ذینفع، احتمالاً کاهش اختلاف مالیاتی را نیز در بر خواهد داشت (زرگران یزد، ۱۳۹۳: ۱۹). در بیشتر پژوهش‌های خارجی نیز به اقدامات مدیران در خصوص بکارگیری سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیات به‌عنوان فعالیتی مخاطره‌آمیز نگریده شده که بر شفافیت (دسای و دارماپالا، ۲۰۰۶: ۱۵۳)، عملکرد آتی (ریگو و ویلسون، ۲۰۱۲: ۷۷۹)، ارزش شرکت (کیم، لی و ژانگ، ۲۰۱۱: ۶۴۰)، کیفیت سود (آتوود، دراک و مایرز، ۲۰۱۰: ۱۱۱)، اعلام سود (کراتبری و کابیک، ۲۰۱۴: ۵۱)، اعتماد اجتماعی (کاناگارتنام و همکاران، ۲۰۱۸: ۱۵۸۸) و ریسک شرکت (گوئنتر و ماتسانگ و ویلیامز، ۲۰۱۶: ۱۱۵) تاثیر منفی می‌گذارد. پاپس و دیاس (۲۰۲۲: ۴۴۸) با استفاده از رژیم‌های مالیاتی به‌عنوان معیار انطباق مالیات ابرازی و تشخیصی، تاثیر رژیم‌های مالیاتی مختلف بر مدیریت سود را در شرکت‌های پرتغالی بررسی کردند. آن‌ها همچنین، بررسی نمودند آیا مدیریت سود در رژیم مالیاتی عمومی برای دستیابی به درآمد مشمول مالیات و اهداف گزارش‌گری استفاده می‌شود؟ نتایج نشان داد شرکت‌هایی که رژیم مالیاتی ساده شده را انتخاب می‌کنند، کمتر از شرکت‌هایی است که رژیم مالیاتی عمومی را انتخاب می‌کنند، سود را به سمت بالا مدیریت می‌کنند. علاوه بر این، آن‌ها نتیجه گرفتند که ارقام

تعهدی با انطباق بالای مالیات ابرازی و تشخیصی برای کاهش درآمد مشمول مالیات و با انطباق کم برای افزایش درآمد حسابداری استفاده می‌شود. همچنین، نتایج پژوهش آتوود، دراک و مایرز (۲۰۱۰: ۱۱۹) حاکی از این بود که هرچه تفاوت بین سود حسابداری و سود مشمول مالیات بیشتر باشد، پایداری سود کاهش یافته و سود رابطه ضعیف‌تری با جریان‌های نقدی آینده دارد. به طور کلی، آن‌ها چنین نتیجه‌گیری نمودند که اجتناب مالیاتی منجر به کاهش کیفیت سود می‌شود.

سیاست‌های کاهنده مالیات علاوه بر اینکه شرایط رقابت ناسالم و غیریکسان را برای فعالین اقتصادی کشور ایجاد می‌کند، ممکن است در بلند مدت فعالین واقعی اقتصادی را از چرخه رقابت و تولید خارج و موجب بروز مشکلات اقتصادی و اجتماعی شده و همچنین، محرومیت دولت از دستیابی به حقوق خود که منجر به کاهش کمیت و کیفیت انجام وظایف اصلی دولت‌ها و خدمات‌رسانی به جامعه می‌شود، را در پی داشته باشد. از آنجایی که امکان پیش‌بینی اطلاعات مالی به‌ویژه سود توسط سرمایه‌گذاران، مستلزم ارایه اطلاعات شفاف و مربوط از سوی واحدهای تجاری است، نمی‌توان نقش مالیات را در ارزیابی کیفیت سود نادیده گرفت.

عدم تقارن اطلاعاتی، سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیات و کیفیت سود

تمام تلاش مدیریت بنگاه‌های اقتصادی برای بقا، گسترش سطح فعالیت و ثبات و پایداری در دنیای رقابتی امروز، کسب سهم بیشتر بازار، افزایش ارزش نام تجاری، جذب مشتریان وفادار، بهره‌مندی از منابع محدود و ارزشمند جامعه، کسب حمایت از سوی دولت و ارگان‌های قانون‌گذار، بیشینه‌سازی مطلوبیت و رفاه، جذب اعتبار مالی و حفظ توان نقدینگی است. مجموع این عوامل باعث کسب سود، تداوم و پایداری آن، ایجاد ارزش افزوده اقتصادی و سرانجام تقویت سهام و قابلیت نقدشوندگی آن خواهد شد. از این رو، طبق نظریه ذی‌نفعان و تئوری نمایندگی، بیشینه‌سازی ارزش و دارایی‌های شرکت در راستای تامین منافع همه گروه‌های ذینفع با خواسته‌های متفاوت و گاه متضاد به صورت یکسان نیست. نامتقارنی اطلاعات ناشی از کژگزینی (انتخاب جانبدارانه) و گزمنشی (انحصار اطلاعات) در شناسایی، اندازه‌گیری و یا افشای اطلاعات است. معاملاتی که در آن یک طرف معامله اطلاعات بیشتر یا بهتری از طرف دیگر دارد، باعث ایجاد یک نوع عدم توازن قدرت در معاملات می‌شود که گاهی اوقات می‌تواند باعث خراب شدن معاملات و یا در بدترین حالت، به

شکست بازار بینجامد. آگاهی مدیریت و گروه‌های خاصی از ذینفعان از اطلاعاتی که در اختیار عموم و دولت قرار نگرفته است، موجب شکاف اطلاعاتی عمیق می‌شود. در این شرایط کسب منفعت به وسیله گروه یا اشخاص خاص، با فدا شدن منافع گروه‌های دیگر همراه می‌شود. همچنین، رعایت نکردن اصول اخلاقی از سوی مدیران در گزارشگری مالی منجر به انتشار اطلاعات بی کیفیت خواهد شد. شیپر (۱۹۸۹: ۹۳) معتقد است یکی از فرض‌هایی که عدم تقارن اطلاعاتی را تداوم می‌بخشد، ارتباط بسته و محدود مدیران است که از طریق ترتیبات قراردادی نیز قابل حذف نیست. البته، این مساله ناشی از این است که سهامداران در محیطی که اطلاعاتشان کمتر از مدیریت است، نمی‌توانند عملکرد شرکت و چشم‌انداز آتی آن را به‌طور کامل مشاهده کنند.

با توجه به عدم تقارن اطلاعاتی بین سازمان امور مالیاتی کشور با واحدهای تجاری، محدودیت زمانی ناشی از اعمال مقررات ماده ۱۵۷ قانون مالیات‌های مستقیم و جدایی مالکیت از مدیریت و نامتقارنی اطلاعات بین آن‌ها، مدیران به منظور انتفاع شخصی، نشان دادن کارایی و اثربخشی مطلوب، حفظ سلطه مدیریتی خود و نشان دادن وضعیت و عملکرد مثبت شرکت به سیاست‌های تقلیلی و گریز از پرداخت مالیات، اقدام می‌نمایند که این اقدام باعث کاهش کیفیت سود و گزارشگری مالی و ناکارایی عملکرد واحدهای اقتصادی خواهد شد. بنابراین، این احتمال وجود دارد که گروه مدیریت این قبیل شرکت‌ها به منظور پنهان‌سازی عملکرد نامناسب خود، سعی در بهتر جلوه دادن عملکرد واحد اقتصادی تحت امر خود و کاهش دادن جریانات نقدی خروجی از جمله کاهش محل پرداخت مالیات را داشته باشند و یا این که در استدلال دیگر می‌توان موضوع را به این شکل مطرح نمود که واحدهای تجاری به منظور خارج شدن از کانون توجه دولت، اقدام با کاهش سودهای گزارش شده خود می‌نمایند. در این حالت نیز مالیات پرداختی با آنچه که باید پرداخت شود، تفاوت دارد. در صورت پذیرش هر یک از سناریوهای فوق، رقم مالیات ابراز شده توسط شرکت‌ها تحت تاثیر سیاست‌ها و رویه‌های بکار گرفته شده از جانب واحدهای تجاری قرار می‌گیرد و بین رقم گزارش شده و آنچه که باید گزارش می‌شد و آنچه مأمورین سازمان امور مالیاتی تعیین می‌نمایند، تفاوت‌هایی به وجود می‌آید.

بازنگری پیشینه مزبور نشان می‌دهد پژوهشی که به طور مستقیم تاثیر سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیات بر کیفیت سود را مورد بررسی قرار دهد، مشاهده نگردیده است. بر این اساس پژوهش حاضر درصدد است به بررسی تاثیر سیاست‌های تقلیل مالیات بر کیفیت سود با در نظر گرفتن متغیر تعدیلی عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه ایران بپردازد.

با توجه به مبانی نظری و تحقیقات تجربی بالا، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر تدوین شده‌اند:

فرضیه اول: اجتناب مالیاتی بر کیفیت سود تاثیر منفی و معنی‌داری دارد.

فرضیه دوم: عدم تقارن اطلاعاتی بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و کیفیت سود اثر تعدیل‌کنندگی دارد.

فرضیه سوم: فرار مالیاتی بر کیفیت سود تاثیر منفی و معنی‌داری دارد.

فرضیه چهارم: عدم تقارن اطلاعاتی بر رابطه بین فرار مالیاتی و کیفیت سود اثر تعدیل‌کنندگی دارد.

فرضیه پنجم: پایداری سود مالیاتی بر کیفیت سود تاثیر منفی و معنی‌داری دارد.

فرضیه ششم: عدم تقارن اطلاعاتی بر رابطه بین پایداری سود مالیاتی و کیفیت سود اثر تعدیل‌کنندگی دارد.

روش پژوهش و ابزار پژوهش

این پژوهش از نظر نوع هدف، کاربردی و از نظر شیوه انجام و ماهیت، از نوع پژوهش‌های توصیفی و از نظر فلسفه جزء پژوهش‌های اثباتی حسابداری و از نظر فرآیند اجرا از نوع پژوهش‌های کمی و از نظر منطق اجرا نیز، جزء پژوهش‌های با رویکرد قیاسی/استقرایی است و از نظر بُعد زمانی نیز از نوع پژوهش‌های طولی/گذشته‌نگر است و از اطلاعات تاریخی شرکت‌های نمونه استفاده شده است. جامعه آماری مورد بررسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و قلمرو زمانی پژوهش سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۸ است. همچنین، به منظور اندازه‌گیری متغیرها از داده‌های سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۸، استفاده شده است. با توجه به گستردگی حجم جامعه آماری و ناهمسانی میان اعضای جامعه، تعدادی از شرکت‌ها به‌عنوان نمونه انتخاب شدند؛ به این صورت که شرکت‌هایی که دارای شرایط و ویژگی‌های مورد نظر تحقیق (سال مالی شرکت منتهی به پایان اسفند هر سال باشد، کلیه اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه متغیرها در دسترس باشند، شرکت‌ها به طور کامل معاف از پرداخت مالیات نباشند، شرکت‌های نمونه طی دوره مورد بررسی وقفه فعالیت نداشته

باشند)، انتخاب و مابقی شرکت‌ها بر اساس شرایط و محدودیت‌های اعمال شده برای دستیابی به نتایج دقیق‌تر و افزایش قدرت مقایسه و تعمیم نتایج نمونه به جامعه، بر اساس معیارهای مورد نظر زیر و به روش حذف سیستماتیک (غربالگری شرکت‌ها) کنار گذاشته شدند. بر این اساس، تعداد ۱۲۰ شرکت به عنوان نمونه آماری پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. روش گردآوری داده‌ها از نوع اسنادکاوی است و برای پردازش اطلاعات از نرم افزار (Excel) نسخه ۲۰۱۶ برای دسته‌بندی، مرتب کردن و اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش استفاده شد. همچنین، به منظور تخمین الگوی پژوهش و انجام آزمون‌های پژوهش، از نرم‌افزار اقتصادسنجی (Eviews) نسخه ۱۰ استفاده شد.

الگوهای پژوهش و اندازه‌گیری متغیرها

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل رگرسیون چندمتغیره تحلیل هم‌زمان و با تکیه بر رویکرد داده‌های ترکیبی استفاده شده است. مزیت و برتری این روش آن است که امکان برآورد پویایی متغیرها در طول زمان را به پژوهشگر می‌دهد.

مدل اصلی پژوهش الگوی رگرسیون خطی چندگانه است که با توجه به ادبیات پژوهش و مبانی نظری استخراج و طراحی گردیده‌اند. به عبارتی الگوی رگرسیونی پژوهش بر اساس فرضیه‌ها، سوالات و مبانی نظری و رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته طراحی شده است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش مدل رگرسیونی شماره (۱) بکار رفته است.

$$\begin{aligned} \text{EarningsQuality}_{it} = & \beta_0 + \beta_1 \text{TaxAvoidance}_{it} + \beta_2 \text{TaxEvasion}_{it} + \beta_3 \text{STE}_{it} + \beta_4 \\ & (\text{TaxAvoidance}_{it} \times \text{IA}_{it}) + \beta_5 (\text{TaxEvasion}_{it} \times \text{IA}_{it}) + \beta_6 (\text{STE}_{it} \times \text{IA}_{it}) + \beta_7 \text{Size}_{it} + \beta_8 \\ & \text{FL}_{it} + \beta_9 \text{EMV}_{it} + \beta_{10} \text{ROA}_{it} + \varepsilon_{it} \end{aligned} \quad (1)$$

نحوه اندازه‌گیری و عملیاتی کردن متغیرهای پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

متغیر وابسته: کیفیت سود^۱

کیفیت سود یک معیار مهم برای بررسی سلامت مالی واحد تجاری است (بلوواری، ۲۰۰۶: ۴۲۹). ارقام سود از طریق انتخاب‌های مدیران و حسابداران بین اصول پذیرفته شده حسابداری و قضاوت‌های شخصی مدیران در مورد رویه‌های بکار گرفته شده برای ثبت اطلاعات حسابداری، تحت تاثیر قرار

می‌گیرد. گاهی اوقات مدیریت بنگاه اقتصادی از انتخاب‌های حسابداری برای دستکاری سود و گمراه کردن کاربران بهره می‌گیرد. علاوه بر این، مدیران ممکن است عناصر سود را برای بهتر از واقع نشان دادن وضعیت بنگاه اقتصادی دستکاری نمایند و با این کار کیفیت سود گزارش شده را به حداقل برسانند، زیرا کسانی که برای تصمیم‌گیری‌های خود به سودهای مزبور اتکا می‌کنند، دچار اشتباه شده و تحلیلگران مالی نیز نمی‌توانند پیش‌بینی صحیحی از توان سودآوری بنگاه اقتصادی در آینده انجام دهند. هموارسازی سود نوعی عمل آگاهانه است که توسط مدیریت و با استفاده از ابزارهای خاصی در حسابداری برای کاستن از نوسانات در سود انجام می‌گیرد. بنابراین، در این پژوهش از معیار هموارسازی سود به جهت نزدیکی این معیار با موضوع اصلی پژوهش استفاده شده است. با توجه به مطالعه لئوز، ناندا و ویسوکي (۲۰۰۳: ۵۱۸) این معیار توسط نسبت انحراف معیار سود عملیاتی به انحراف معیار جریان نقدی عملیاتی اندازه‌گیری می‌شود. کمتر بودن این نسبت، نشان‌دهنده هموارسازی بیشتر سود و در نتیجه کیفیت پایین سود است.

$$\text{Earning Quality}_{it} = (\epsilon \text{EBIT}_{i,t-3} / \epsilon \text{CFO}_{i,t-3}) \quad (1)$$

رابطه (۱):

که در آن: $\text{EBIT}_{i,t-3}$ انحراف معیار سود عملیاتی و $\text{CFO}_{i,t-3}$ انحراف معیار در جریان وجوه نقد عملیاتی شرکت است و نهایتاً اینکه برای محاسبه انحراف معیار از اطلاعات سه سال گذشته نسبت به سالی جاری استفاده شده است.

متغیرهای مستقل

• فرار مالیاتی^۱

به منظور اندازه‌گیری فرار مالیاتی از معیار نسبت تفاوت بین درآمد مشمول مالیات قطعی شده و سود مشمول مالیات ابرازی به مجموع دارایی‌ها استفاده شده است (ویلسون، ۲۰۰۹: ۹۷۶ و حساس‌یگانه و رضایی، ۱۳۹۷: ۳۷).

1. Tax evasion

$$BTDit = (ACCANCit - TAXINCit) / ASSETSit \quad (2)$$

که در آن:

$BTDit$: فرار مالیاتی شرکت i در سال t ; $ACCANCit$: درآمد مشمول مالیات قطعی شده شرکت i در پایان سال مالی t ; $TAXINCit$: سود مشمول مالیات ابرازی شرکت i در پایان سال مالی t ; $ASSETSit$: مجموع دارایی‌ها.

• اجتناب مالیاتی^۱

برای محاسبه اجتناب مالیاتی بر اساس پژوهش‌های گذشته (حسن، لوبو و کیو، ۲۰۲۱: ۲۱۷ و چنگ و همکاران، ۲۰۱۲: ۲۱۴)، از معیار نرخ موثر مالیاتی جاری از طریق تقسیم هزینه مالیات سال جاری بر سود قبل از بهره و مالیات منهای اقلام خاص (پس‌اندازهای مالیاتی ناشی از تفاوت مالیات تشخیص شده با مالیات قطعی).

$$Tax\ avoidanceit = Taxit / (EBITit - SIit) \quad (3)$$

که در آن:

$Tax\ avoidanceit$: اجتناب مالیاتی شرکت i در پایان سال مالی t ; $Taxit$: مالیات تشخیص شده شرکت i در پایان سال مالی t ; $EBITit$: سود قبل از بهره و مالیات شرکت i در پایان سال مالی t ; $SIit$: اقلام خاص شرکت i در پایان سال مالی t .

• پایداری سود مالیاتی^۲

با عنایت به تئوری هزینه‌های سیاسی و با توجه به اینکه سود مشمول مالیات شرکت‌ها توجه دولت و سایر ذی‌نفعان را به واحد اقتصادی جلب می‌نماید و این شناخت ممکن است موجب تحمیل هزینه‌های زیادی بر شرکت گردد، بنابراین مدیران به منظور دوری از این احتمال، سود مشمول مالیات را با حداقل نوسان نسبت به سال‌های گذشته ابراز می‌نمایند. معمولاً، پایداری سود مالیاتی

1. Tax avoidance

2. Sustainability of tax earning

بیانگر این موضوع است که چه مقدار یا چند درصد از سود مشمول مالیات سال جاری در سال بعد نیز پایدار خواهد ماند. پایداری سود مالیاتی با اعمال تغییراتی در مدل دیچو، جی و اسپراند، (۲۰۱۰: ۲۹).

$$EBIT_t = \alpha_0 + \alpha_1 EBIT_{t-1} + \lambda \quad (۴)$$

ضریب α_1 نشان دهنده پایداری سود مالیاتی است.

• متغیر تعدیلگر: عدم تقارن اطلاعاتی^۱

در شرایطی که هیچ گونه عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه گذاران وجود نداشته باشد، مدیران انگیزه‌ای برای افشای نامتقارن اطلاعات ندارند، زیرا در چنین شرایطی هزینه‌های نگهداری و عدم افشای اخبار منفی بیش از منافع آن خواهد بود، اما در شرایطی که عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه گذاران بالا است، هزینه‌های عدم افشای اخبار منفی و انباشت آن‌ها در داخل شرکت، کمتر از منافع آن خواهد بود. بنابراین، مدیران انگیزه پیدا می‌کنند تا اخبار منفی را داخل شرکت انباشت کرده و آن‌ها را افشا نکنند (کوتاری و همکاران، ۲۰۰۵: ۱۶۳).

$$SPREAD_{it} = \frac{(AP-BP)}{(AP+BP) \div 2} \times 100 \quad (۵)$$

که در آن:

$SPREAD_{it}$: دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام شرکت i در سال t ؛ AP : میانگین قیمت پیشنهادی فروش سهام شرکت i در سال t و BP : میانگین قیمت پیشنهادی فروش سهام شرکت i در سال t است. طبق مدل بالا، هرچه دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام، عدد بزرگتری باشد، نشان دهنده عدم تقارن اطلاعاتی بیشتر است.

متغیرهای کنترلی

در بررسی تاثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته پژوهش، عوامل دیگری نیز موثر هستند که در نظر نگرفتن آن‌ها می‌تواند باعث نتیجه گیری نادرستی از پژوهش شود. در این پژوهش نیز علاوه بر عوامل

اصلی پژوهش که به‌عنوان متغیر مستقل معرفی شده‌اند، برخی عوامل جانبی که بر کیفیت سود شرکت‌ها موثر بوده‌اند به‌عنوان متغیر کنترلی در نظر گرفته شدند. براین اساس متغیرهای کنترلی عبارتند از:

اندازه شرکت (Firm size): متغیری است که میزان در دسترس بودن اطلاعات را نشان می‌دهد. برای عملیاتی کردن آن از لگاریتم طبیعی ارزش دفتری کل دارایی‌های شرکت استفاده شده است.

اهرم مالی (FL): به پیروی از پژوهش بادآورنهدی و تقی‌زاده‌خانقاه (۱۳۹۷: ۱۸۳)، یو و همکاران (۲۰۱۹: ۲۷۳) و لوبو و ژئو (۲۰۰۶: ۵۹)، برای عملیاتی کردن اهرم مالی از نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها، استفاده شد.

بازده دارایی‌ها (ROA): برای عملیاتی کردن آن به پیروی از فروغی و ساکیان (۱۳۹۷) از نسبت سود خالص پس از کسر مالیات بر کل دارایی‌ها، استفاده شد.

چگالی سرمایه (EMV): بیانگر میزان سرمایه بکارگرفته شده در شرکت است و برای عملیاتی کردن آن به پیروی از کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) از لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

غالباً مفیدترین و در عین حال اولین قدم در سازماندهی داده‌ها مرتب‌کردن داده‌ها بر اساس یک ملاک منطقی است و سپس، استخراج شاخص‌های مرکزی و پراکندگی می‌باشد. آماره‌های توصیفی متغیرهای مورد آزمون که شامل برخی شاخص‌های مرکزی و پراکندگی می‌باشند در نگاره (۱) نشان داده شده‌اند. میانگین و میانه مدیریت سود به ترتیب برابر با ۰/۴۴ و ۰/۳۶ است. میانگین فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی به ترتیب حدود ۰/۲۱ و ۰/۱۸ درصد بوده که با توجه به نرخ قانونی مالیات بر عملکرد شرکت‌های بورسی (۲۲/۵)، می‌توان گفت به‌طور کلی وضعیت مالیاتی شرکت‌ها با سیاست‌های مالیاتی سازگار نیست. میانگین کیفیت سود برابر با ۰/۴۴ درصد است و از آنجا که این

نماد زمینه بالقوه رشد سود و میزان احتمال تحقق سودهای آتی است، می‌توان نتیجه گرفت میزان کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نسبت به نرمال تفاوت زیادی دارد و با عنایت به نتایج توصیفی حاصل از عوامل موثر بر آن، که یکی از مهمترین آن‌ها مبحث مالیات بر درآمد است، زمینه کیفیت پایین را فراهم کرده است.

نگاره (۱): شاخص‌های مرکزی و پراکندگی مربوط به متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	مشاهدات	میانگین	میانه	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
کیفیت سود	۱۲۰۰	۰/۴۴	۰/۳۶	۰/۳۱	۰/۸۷	-۰/۱۹
فرار مالیاتی	۱۲۰۰	۰/۲۱	۰/۱۳	۰/۰۷	۰/۴۱	۰/۰۰۰
پایداری سود مالیاتی	۱۲۰۰	۰/۳۹	۰/۴۰	۰/۱۱	۰/۶۲	۰/۰۰۰
اجتناب مالیاتی	۱۲۰۰	۰/۱۸	۰/۱۲	۰/۰۸	۰/۲۵	۰/۰۰۴
عدم تقارن اطلاعاتی	۱۲۰۰	۰/۱۹	۰/۰۵	۰/۱۴	۰/۷۳	۰/۰۸
اهرم مالی	۱۲۰۰	۰/۵۳	۰/۴۹	۰/۱۷	۰/۶۳	۰/۰۲
اندازه شرکت	۱۲۰۰	۶/۲۶	۶/۱۹	۱/۰۶	۸/۳۳	۴/۱۳
بازده دارایی‌ها	۱۲۰۰	۰/۲۴	۰/۱۸	۰/۰۹	۰/۵۹	-۰/۰۳
چگالی سرمایه	۱۲۰۰	۱۲/۰۴	۸/۱۶	۰/۸۶	۱۳/۷۱	۶/۰۹

آزمون پایایی متغیرهای پژوهش

وجود متغیرهای ناپایا در مدل سبب می‌شود تا آزمون‌های تی استیودنت و فیشر از اعتبار لازم برخوردار نباشند و کمیت‌های بحرانی ارائه شده توسط توزیع‌های مذکور، مقادیر صحیحی برای انجام آزمون‌های آماری نباشند. با توجه به نگاره (۲)، نتایج آزمون پایایی متغیرها نشان می‌دهد که سطح خطای تمامی متغیرها کمتر از ۵ درصد بوده و متغیرهای پژوهش پایا می‌باشند. بنابراین، استفاده از متغیرها در برآورد مدل پژوهش، منجر به رگرسیون کاذب نمی‌شود.

نگاره (۲): آزمون پایایی متغیرها

فیشر فیلیپس و پرو		فیشر دیکی فولر تعمیم		لوین، لین و چو		متغیرها
۰/۰۰	۵۱۳/۴۰۰	۰/۰۰۰	۴۱۰/۰۶۹	۰/۰۰۰	-۳۷/۴۶۳	کیفیت سود
۰/۰۰	۶۰۵/۲۳۷	۰/۰۰۰	۵۴۳/۴۲۲	۰/۰۰۰	-۲۴/۳۱۰	فرار مالیاتی
۰/۰۰	۵۴۵/۴۱۱	۰/۰۰۰	۴۸۰/۲۵۷	۰/۰۰۰	-۱۹/۵۵۸	پایداری سود مالیاتی
۰/۰۰	۴۱۹/۳۱۹	۰/۰۰	۳۷۵/۳۳۲	۰/۰۰۰	-۱۶/۰۳۰	اجتناب مالیاتی
۰/۰۰۰	۵۸۸/۰۸۰	۰/۰۰۰	۴۹۹/۵۰۱	۰/۰۰۰	-۳۳/۲۰۳	عدم تقارن اطلاعاتی
۰/۰۰۰	۴۳۹/۱۱۴	۰/۰۰۰	۳۷۶/۰۳۳	۰/۰۰۰	-۲۸/۷۴۹	اهرم مالی
۰/۰۰۰	۵۱۷/۰۸۸	۰/۰۰۰	۴۰۸/۰۹۶	۰/۰۰۰	-۴۴/۵۱۱	اندازه شرکت
۰/۰۰۰	۴۰۹/۲۵۰	۰/۰۰۰	۳۹۴/۱۰۴	۰/۰۰۰	-۱۰/۳۵۸	بازده دارایی‌ها
۰/۰۰۰	۶۵۷/۳۶۱	۰/۰۰۰	۵۰۱/۵۰۸	۰/۰۰۰	-۳۱/۱۱۹	چگالی سرمایه

آزمون ناهمسانی واریانس

یکی از پیش فرض‌های رگرسیون عدم وجود ناهمسانی واریانس باقیمانده مدل می‌باشد. با توجه به تاثیر مهم ناهمسانی واریانس بر برآورد، انحراف معیار و استنباط آماری، لازم است تا قبل از پرداختن به هرگونه تخمین، وجود و یا عدم وجود ناهمسانی واریانس، تحقق یابد. برای همسانی واریانس باقیمانده مدل از آزمون‌های هاروی، آزمون آرج و آزمون گلجسر استفاده شد که نتایج آزمون‌ها نشان‌دهنده عدم همسانی واریانس بوده و به عبارتی، باقی‌مانده‌های حاصل از تخمین مدل پژوهش، دارای واریانس ثابت نیست. بنابراین، برای تخمین مدل پژوهش به جای حداقل مربعات معمولی (OLS) از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته (EGLS) استفاده شد. در این روش فقط داده‌ها به گونه‌ای تبدیل می‌شوند تا فروضی که مورد نیاز روش حداقل معمولی مورد نیاز است تامین شود. روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته گاهی اوقات تحت عنوان روش حداقل مربعات وزنی، نیز معرفی می‌گردد، زیرا در این روش جمع وزنی مجذور باقیمانده‌ها حداقل می‌شود، در حالی که در روش

حداقل مربعات معمولی، جمع غیروزی آنها حداقل می‌گردد. نتایج این آزمون در نگاره (۳) ارائه شده است.

نگاره (۳): آزمون ناهمسانی واریانس

نتیجه	ارج	گلجسر	هاروی	شرح مدل	
				آماره اف	مدل پژوهش
ناهمسانی واریانس	۳۸۸/۰۶۹	۳/۴۱۴	۱۰/۰۱۹	سطح معناداری	
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		

نتایج آزمون‌های انتخاب الگوهای مناسب برآورد مدل‌ها

برای انتخاب روش مناسب برای تخمین مدل‌های مزبور در مقاطع و دوره‌های زمانی مختلف داده‌های ترکیبی، از آزمون اف لیمر (همسانی عرض از مبداهای مقاطع) استفاده شد. نتایج حاصل از آزمون اف لیمر و هاسمن (عدم همسانی عرض از مبداهای مقاطع)، استفاده از داده‌های ترکیبی با اثرات ثابت را پشتیبانی می‌کند. نتایج حاصل از برآورد مدل مطلوب پژوهش در نگاره (۴)، ارائه شده است.

نگاره (۴): آزمون انتخاب الگوی مناسب برآورد مدل

نتیجه/نوع آزمون	آزمون هاسمن		آزمون چاو		فرضیه صفر	مدل
	سطح معناداری	خی دو	سطح معناداری	آماره اف		
داده‌های تابلویی و اثرات ثابت	۰/۰۰۰	۸/۱۴۹	۰/۰۰۰	۷/۵۰۷	یکسانی عرض از مبداهای مقاطع	۱

نتایج آزمون و بررسی فرضیه‌های پژوهش

با توجه به نتایج حاصل از آزمون هاسمن با استفاده از داده‌های تابلویی و اثرات ثابت مقاطع، اقدام به برازش مدل پژوهش شد که نتایج حاصل به شرح نگاره (۵) است.

نگاره (۵): برآزش مدل پژوهش و نتایج فرضیه‌ها

شرح	ضریب	آماره تی	سطح معناداری	آماره تورم واریانس
عرض از مبدا	۰/۱۴	۴/۱۶۶	۰/۰۰۰	-
فرار مالیاتی	-۰/۱۱	-۵/۳۹۷	۰/۰۰۰	۱/۳۹
عدم تقارن اطلاعاتی ضرب در فرار مالیاتی	-۰/۱۵	-۳/۸۱۰	۰/۰۰۰	۱/۲۴
اجتناب مالیاتی	-۰/۰۸	-۴/۰۹۹	۰/۰۰۰	۱/۱۱
عدم تقارن اطلاعاتی ضرب در اجتناب مالیاتی	-۰/۱۳	-۶/۵۱۹	۰/۰۰۰	۱/۳۹
پایداری سود مالیاتی	-۰/۱۶	-۷/۲۳۲	۰/۰۰۰	۱/۵۰
عدم تقارن اطلاعاتی ضرب در پایداری سود مالیاتی	-۰/۲۰	-۷/۱۳۹	۰/۰۰۰	۱/۲۷
اهرم مالی	-۰/۱۶	-۴/۷۶۷	۰/۰۰۰	۱/۱۹
اندازه شرکت	۰/۱۳	۵/۹۰۰	۰/۰۰۰	۲/۱۴
بازده دارایی‌ها	۰/۱۹	۴/۵۶۳	۰/۰۰۰	۱/۶۹
چگالی سرمایه	۰/۱۴	۲/۸۹۸	۰/۰۰۰	۱/۵۵
ضریب تعیین (R2)		۰/۶۷		
آماره اف		۲۱/۳۹۴		
سطح معناداری		۰/۰۰۰		
آزمون دوربین - واتسن (D.W)		۱/۹۰۶		
آماره والد		۶۰۹/۱۷۴		
سطح معناداری		(۰/۰۰۰)		
آزمون سوبل (Z-value)		۲/۸۶۶		

بر اساس نتایج آزمون تورم واریانس در نگاره (۵)، شواهدی از وجود همخطی چندگانه بین متغیرهای مستقل مدل وجود ندارد. جهت سنجش معناداری کل مدل به آماره فیشر استناد می‌شود که با توجه به آماره و سطح خطای مدل در سطح معناداری ۵ درصد، حاکی از معناداری کلی مدل برآورد شده می‌باشد. بنابراین، مدل پژوهش در کل معنی‌دار بوده و متغیرهای مستقل و کنترلی توانایی توضیح و تبیین متغیر وابسته را دارند. مقدار آماره دوربین / واتسن، مبین این مطلب است که بین اجزا اخلاص مدل، خود همبستگی سریالی وجود نداشته و نتایج حاصل از تخمین مدل با استفاده از رگرسیون، کاذب نیست. جهت بررسی معنی‌داری متغیر میانجی (واسطه) در رابطه میان متغیر مستقل و وابسته از آزمون سوبل استفاده شده است که با توجه به مقدار آماره آزمون بدست آمده، فرض صفر (مبنی بر این که متغیر میانجی نقشی در میان رابطه متغیر مستقل و وابسته ندارد)، در سطح خطای ۵ درصد مورد پذیرش قرار نگرفت و تاثیر میانجی در این رابطه معنی‌دار است.

نتایج آزمون و بررسی فرضیه‌ها

فرضیه اول: اجتناب مالیاتی بر کیفیت سود تاثیر منفی و معنی‌داری دارد.

با توجه به نتایج برازش الگوی پژوهش (نگاره (۵)) مقدار احتمال آماره تی متغیر اجتناب مالیاتی در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه منفی و معنادار با کیفیت سود دارد. با توجه به نتایج مذکور فرضیه اول پژوهش که حاکی از تاثیر منفی و معنی‌دار اجتناب مالیاتی بر کیفیت سود است، تایید می‌شود. بنابراین، به طور کلی شرکت‌هایی که درگیر پدیده اجتناب مالیاتی هستند از کیفیت سود کمتری برخوردار هستند.

فرضیه دوم: عدم تقارن اطلاعاتی بر رابطه بین اجتناب مالیاتی بر کیفیت سود اثر تعدیل‌کنندگی دارد.

ضریب برآوردی متغیر مستقل (عدم تقارن اطلاعاتی ضرب در اجتناب مالیاتی) در نگاره (۵) نشان‌دهنده وجود رابطه منفی (معکوس) و معنادار بین اجتناب مالیاتی و کیفیت سود با توجه به نقش تعدیل‌کنندگی عدم تقارن اطلاعاتی در سطح خطای ۵ درصد است. به بیان دیگر، عدم تقارن اطلاعاتی رابطه منفی بین اجتناب مالیاتی و کیفیت سود را تشدید می‌نماید.

فرضیه سوم: فرار مالیاتی بر کیفیت سود تاثیر منفی و معنی‌داری دارد. با توجه به نتایج برازش الگوی پژوهش مقدار احتمال آماره تی متغیر اجتناب مالیاتی در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه منفی و معنادار با کیفیت سود دارد. با توجه به نتایج مذکور فرضیه سوم که حاکی از تاثیر منفی و معنی‌دار فرار مالیاتی بر کیفیت سود است، تایید می‌شود. بنابراین، به‌طور کلی شرکت‌هایی که فرار مالیاتی دارند سود با کیفیت پایینی ارائه و گزارش می‌نمایند.

فرضیه چهارم: عدم‌تقارن اطلاعاتی بر رابطه بین فرار مالیاتی و کیفیت سود اثر تعدیل‌کنندگی دارد.

ضریب برآوردی متغیر مستقل (عدم‌تقارن اطلاعاتی ضرب در فرار مالیاتی)، نشان‌دهنده وجود رابطه منفی و معنادار بین فرار مالیاتی و کیفیت سود با توجه به نقش تعدیل‌کنندگی عدم‌تقارن اطلاعاتی در سطح خطای ۵ درصد است. به‌عبارت دیگر، عدم‌تقارن اطلاعاتی رابطه منفی بین فرار مالیاتی و کیفیت سود را تقویت و تشدید می‌نماید.

فرضیه پنجم: پایداری سود مالیاتی بر کیفیت سود تاثیر منفی و معنی‌داری دارد.

با توجه به نتایج برازش الگوی پژوهش، مقدار احتمال آماره تی متغیر پایداری سود مالیاتی در سطح اطمینان ۹۵ درصد، رابطه منفی و معنادار با کیفیت سود دارد. با توجه به نتایج مذکور فرضیه پنجم پژوهش نیز، تایید می‌شود. بنابراین، شرکت‌ها به‌منظور گزارش سود یکساخت و پایدار در سنوات متفاوت و در جهت همسان‌سازی سود مشمول مالیات، کیفیت سود گزارش شده را کاهش می‌دهند.

فرضیه ششم: عدم‌تقارن اطلاعاتی بر رابطه بین پایداری سود مالیاتی و کیفیت سود اثر تعدیل‌کنندگی دارد.

ضریب برآوردی متغیر مستقل (عدم‌تقارن اطلاعاتی ضرب در پایداری سود مالیاتی)، نشان‌دهنده وجود رابطه منفی و معنادار بین پایداری سود مالیاتی و کیفیت سود و با توجه به نقش تعدیل‌کنندگی عدم‌تقارن اطلاعاتی در سطح خطای ۵ درصد است. به بیان دیگر، عدم‌تقارن اطلاعاتی رابطه منفی بین پایداری سود مالیاتی و کیفیت سود را تقویت می‌نماید.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی نقش تعدیل‌کنندگی عدم تقارن اطلاعاتی بر رابطه بین سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیات و کیفیت سود است. بدین منظور از اجتناب مالیاتی، فرار مالیاتی و پایداری سود مالیاتی به‌عنوان سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیات با بهره‌گیری از داده‌های ۱۲۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار در بازه زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۸ و تاثیر آن بر کیفیت سود استفاده گردید. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیات و کیفیت سود رابطه منفی و معکوس وجود دارد. این بدان معنی است که مدیران شرکت‌ها به منظور کاهش میزان مالیات‌ها از طریق سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیات، سود شرکت را مدیریت نموده و بدین وسیله کیفیت و کمیت سود را مخدوش می‌نمایند. به عبارت دیگر، یکی از عناصر و عوامل موثر بر کیفیت سود می‌تواند انگیزه‌های مالیاتی مدیران شرکت‌ها باشد. همچنین، نتایج حاکی از آن است عدم تقارن اطلاعاتی با نقش تعدیلی رابطه بین این دو متغیر را تشدید می‌کند؛ یعنی در شرایطی که میان مدیران شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران، عدم تقارن اطلاعاتی وجود داشته باشد، مدیران به راحتی مبادرت به اعمال سیاست‌های تقلیل مالیات نموده و با انگیزه‌های کاهش در مالیات پرداختی، کیفیت سود گزارش شده شرکت‌ها نیز به چالش کشیده خواهد شد. نتایج بررسی فرضیه‌های این پژوهش با نتایج پژوهش‌های بن کریم، گایا و لاخل (۲۰۲۰: ۱۷۱۴)؛ آتوود، دراک و مایرز (۲۰۱۰: ۱۱۱) مطابقت دارد.

با توجه به نتایج به‌دست آمده، به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود تا هنگام اخذ تصمیم‌های سرمایه‌گذاری و ارزیابی کیفیت اطلاعات شرکت‌ها، به بند گزارش حسابرسی پیرامون مالیات به عنوان یکی از گزاره‌های مسئولیت اجتماعی و تاثیر آن بر کیفیت سود و سودآوری آتی توجه نمایند.

بنابر رابطه معکوس بین سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیات با کیفیت سود نیز، به سازمان امور مالیاتی کشور که به‌عنوان متولی امر وصول مالیات در کشور، پیشنهاد می‌شود به منظور بهبود رویه‌های حسابرسی و حداکثر استفاده از توانمندی‌های حاصل از بکارگیری طرح جامع مالیاتی و در اجرای موتور ریسک حسابرسی موضوع ماده ۹۷ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب تیرماه ۱۳۹۴ و همچنین،

اطلاعات حاصل از سامانه موضوع ماده ۱۶۹ مکرر قانون مالیات‌های مستقیم، در جهت کاهش نابرابری اطلاعاتی موجود و افزایش کیفیت سود ارائه شده مودیان مالیاتی به منظور کاهش حداکثری سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیات بهره گرفته و موجبات گسترش عدالت مالیاتی را فراهم آورد. در نهایت، به سایر استفاده‌کنندگان پیشنهاد می‌شود تنها به رقم سود که یک عامل و مشوق و سوسه‌برانگیز برای انتخاب سبد سرمایه‌گذاری است، تمرکز نداشته، بلکه کیفیت سود و کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها را نیز مدنظر داشته باشند. این یافته‌ها می‌تواند توجه سرمایه‌گذاران را به تاثیر سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیات بر کاهش کیفیت سود و همچنین، توجه سازمان امور مالیاتی و سازمان بورس اوراق بهادار را به تدوین الزاماتی جهت افشای برنامه‌ها و رویه‌های مالیاتی شرکت‌های بورسی معطوف نماید.



منابع

- ابراهیمی، سید کاظم و احمدی مقدم، منصور (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین مدیریت مالیاتی و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی. فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، ۴(۱۳)، ۷۷-۹۴.
- ابراهیمی، محسن؛ وطن پرست، محمدرضا؛ رضایی، فرزین و محمدی‌نوده، فاضل (۱۴۰۰). عوامل اثرگذار بر سوگیری حسابرسان مالیاتی در قضاوت‌های حرفه‌ای، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۸(۲)، ۱۸۱-۲۰۵.
- اخترشناس، داریوش؛ احمدی‌پاک، فرشته و بهشور، اسحاق (۱۴۰۱). تاثیر اختلاف سود حسابداری با درآمد مشمول مالیات بر کیفیت حسابرسی با تأکید بر نقش کیفیت سود، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۱۱(۴۱)، ۱۹-۳۲.
- بادآور نهندی، یونس و تقی زاده خانقاه (۱۳۹۷). تاثیر ارتباطات سیاسی بر سرمایه‌گذاری بیشتر از حد و عملکرد شرکت. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۵(۲)، ۱۸۱-۱۹۸.
- بندریان، امیرعلی و موسوی، سید سعید (۱۳۹۹). بررسی رابطه بین برنامه‌ریزی مالیاتی و هزینه‌های نمایندگی با تأکید بر نقش ارتباطات سیاسی در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۳(۳۰)، ۹۶-۱۱۳.
- پرهیزگاری، سید وحیدرضا (۱۳۹۹). کاهش سهم مالیات در لایحه بودجه ۱۴۰۰ به کمترین میزان در دهه اخیر، گزارش تحلیلی مالیات، مسیر اقتصاد، رسانه تصمیم سازان اقتصاد ایران.
- پورحیدری، امید و شفیعی همت آباد، حمیده (۱۳۹۲). بررسی تاثیر تغییر نرخ مالیاتی شرکت‌ها بر مدیریت سود: مورد مطالعه اصلاحیه قانون مالیات‌های سال ۱۳۸۰، پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، ۲(۱)، ۲۵-۴۴.
- پورحیدری، امید؛ فدوی، محمدحسن و امینی‌نیا، میثم (۱۳۹۳). بررسی تاثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر شفافیت گزارشگری مالی. فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، ۱۴(۵۲)، ۸۵-۶۹.
- ترابی جهرمی، کامران (۱۳۹۶). بررسی تاثیر مسئولیت اجتماعی بر تعهد حرفه‌ای و تقلب مالیاتی با در نظر گرفتن نقش قضاوت‌های اخلاقی حسابداران تجاری استان فارس. پنجمین کنفرانس بین‌المللی رویکردهای پژوهشی در علوم انسانی و مدیریت.
- جهانشاد، آریتا و محمدی پور، امید (۱۳۹۴). تاثیر ساختار مالکیت بر رابطه بین اجتناب مالیات و مدیریت سود واقعی، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

- حساس یگانه، یحیی و رضایی، شهروز (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین مسئولیت اجتماعی و هزینه‌های مدیریت مالیات شرکت با اجتناب و فرار مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۵(۵۸)، ۲۷-۵۸.
- حسینی، محسن؛ زمانیان، محبوبه و رحیمی، زهرا (۱۳۹۵). ظرفیت‌های مالیاتی اقتصاد ایران؛ چالش‌ها و راهکارهای توسعه‌ای آن. معانت پژوهش، برنامه ریزی و امور بین الملل سازمان امور مالیاتی کشور.
- حسین‌زاده، عبدالله؛ حاجیها، زهره؛ موسوی شیری، سید محمود و نیکومرام، هاشم (۱۳۹۹). بررسی همگرایی معیارهای انعکاسی و ترکیبی کیفیت سود در واکنش به مولفه‌های انگیزشی مدیران. حسابداری مدیریت، ۱۳(۴۵)، ۹۱-۱۰۶.
- خواجوی، شکراله و کیامهر، محمد (۱۳۹۴). بررسی رابطه کیفیت حسابرسی و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه پژوهشنامه مالیاتی، ۲۳(۲۶)، ۱۰۸-۸۷.
- خوشحال، فائزه و خوشحال، امین (۱۳۹۹). چالش‌های حقوق شهروندی و مودیان مالیاتی، پژوهشنامه مالیات، ۲۷(۴۴)، ۱۶۷-۱۸۵.
- رستمیان، فروغ؛ خدایی وله زاقرد؛ محمد و حیدر، مجتبی (۱۳۹۰). رابطه ویژگی‌های کیفیت سود و عملکرد. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۳(۱۲)، ۷۹-۱۱۲.
- زرگران یزد، هستی (۱۳۹۳). رابطه بین کیفیت سود و اختلاف مالیات تشخیصی و ابرازی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه تهران.
- سپاسی، سحر و فتحی، زهرا (۱۳۹۴). تاثیر حاکمیت شرکتی بر سیاست تعهدی تقلیل‌دهنده مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. حسابداری مدیریت، ۸(۲۵)، ۵۹-۴۹.
- صدیقی، روح اله (۱۳۹۹). کیفیت حسابرس، مدیریت سود و اجتناب مالیاتی. تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۱۲(۴۶)، ۱۶۹-۱۸۶.
- طهماسبی‌خورنه، سعید و حیدری، بهناز (۱۴۰۰). بررسی رابطه متقابل گریز مالیاتی و بازده سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از سیستم معادلات هم‌زمان 3SLS، حسابداری و منافع اجتماعی، ۱۱(۱)، ۴۳-۵۹.
- عسکری، محمدرضا و عظیمی، نرگس (۱۳۹۷). رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی، پاداش هیات مدیره و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری، ۴(۱)، ۱۷۹-۱۹۱.

- غزنوی قصونی، رضا؛ آهنگری، مهناز؛ وقفی؛ سید حسام و غزنوی، مهرداد (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین مدیریت سود و میزان اجتناب از مالیات با ریسک سقوط قیمت سهام با در نظر گرفتن نقش قدرت مدیر عامل. پژوهش‌های نوین در حسابداری و حسابرسی، ۲(۱)، ۱۳۴-۱۱۱.
- قادری، بهمن؛ دیدار، حمزه و کفعمی، مهدی (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین هزینه‌های سیاسی و شکاف مالیاتی. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۸(۳۲)، ۱۶۱-۱۹۳.
- محمدی اصل، نسرين؛ منصورفر، غلامرضا و شهبازی، کیومرث (۱۳۹۷). بررسی رفتار کیفیت سود در چرخه‌های تجاری با استفاده از روش رگرسیونی انتقال ملایم پانلی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۵(۱)، ۱۱۳-۱۳۴.
- مشایخی، بیتا و مصطفی دلدار (۱۳۹۵). ارتباط مدیریت مالیات و مدیریت سود در گروه‌های تجاری. دانش حسابداری، ۷(۲۶)، ۳۳-۵۶.
- ملکیان، اسفندیار؛ سلمانی، رسول و شهسواری، معصومه (۱۳۹۵). مطالعه رابطه بین مالکیت دولتی و نهادی با مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت‌ها (شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران). دانش سرمایه‌گذاری، ۵(۱۷)، ۵۵-۷۴.
- منصورفر، غلامرضا؛ غیور، فرزاد و عباسی مولان، بهزاد (۱۳۹۷). رابطه بین مالیات جسورانه و اهرم مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهشنامه مالیات، ۲۶(۳۷): ۱۹۷-۱۷۳.
- نویخت، یونس و نویخت، مریم (۱۴۰۰). تاثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر معیارهای حسابداری و اقتصادی عملکرد شرکت: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه حسابداری و منافع اجتماعی، ۱۱(۲)، ۴۲-۲۱.

References

- Askari, M., & Azimi, N. (2018). Relationship between the quality of corporate governance, board remuneration and tax avoidance in companies listed on the Tehran Stock Exchange. Quarterly Journal of Management and Accounting Studies, 4(1), 191-179. (In Persian).
- Akhtarshenas, D., Ahmadi Pak, F., Behshour, I. (2022). The effects of accounting earnings differences with taxable incomes on audit quality with Emphasis on the Role of earnings quality. Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge, 11(41), 19-32. (In Persian).
- Atwood, T., Drake, M. S., & Myers, L. A. (2010). Book-tax Conformity, Earnings Persistence and the Association Between Earnings and Future Cash flows. Journal of Accounting and Economics, 50(1), 111-125.

- Badavar Nahandi, Y., Taghizadeh Khanqah, V. (2018). The Impact of Political Connections on Overinvestment and Firm Performance. *Accounting and Auditing Review*, 25(2), 181-198. (In Persian).
- Bandarian, A., Mosavi, S. (2020). The Investigation of Relationship between Tax Planning and Agency Costs With Emphasis on Political Connections in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting and Management Vision*, 3(30), 96-113. (In Persian).
- Benkraiem, R., Gaaya, S. & Lakhal, F. (2020). Cross-Country Evidence on Earnings Quality and Corporate Tax Avoidance: The Moderating Role of Legal Institutions. *Economics Bulletin, AccessEcon*, vol. 40(2), 1714-1726.
- Bradshawa, M., Liao, G., & Ma, M. (2019). Agency costs and tax planning when the government is a major Shareholder. *Journal of Accounting and Economics*, 67(2-3), 255-277.
- Callen, J., Khan, M., and Lu, H. (2012). Accounting quality, stock price delay, and future stock returns. *Contemporary Accounting Research*, 30(1), 269-295.
- Cheng, C.A., Huang, H.H., Li, Y. & Stanfield, J., (2012). The effect of hedge fund activism on corporate tax avoidance. *Account. Rev.* 87 (5), 1493–1526.
- Cook, K. A., Moser, W. J., & Omer, T. A. (2015). Tax Avoidance and Ex Ante Cost of Capital. *Journal of Business Finance and Accounting*, 44(7-8), 1109–1136.
- Crabtree, A.D., Kubick, T, R. (2014). Corporate tax avoidance and the timeliness of annual earnings announcements, *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 42, pp. 51–67
- Dechow, P., Ge, W. & Schrand, C. (2010). Understanding earnings quality: A review of the proxies, their determinants and their consequences. *Journal of Accounting and Economics*, 42, 21-61.
- Desai, M. A. & Dharmapala, D. (2006). Corporate tax avoidance and high powered incentives. *Journal of Financial Economics*, 79, 145–179.
- Ebrahimi, K. & Ahmadi Moghadam, M. (2016). The Relationship between the Tax Management and Earnings Management Based on Accruals and Real Earnings Management. *Quarterly journal of Fiscal and Economic Policies*, 4 (13), 77-94. (In Persian)
- Ebrahimi, M., Vatanparast, M., Rezaei, F. and Mohammadi Nodeh, F. (2021). Investigating the Factors Affecting the Bias of Tax Auditors in Professional Judgments, *Accounting and Auditing Review*, 28(2), 181-205. (In Persian).
- Egbunike, CH, F. & Odum, A. (2018). Board leadership structure and earnings quality: Evidence from quoted. *Asian Journal of Accounting Research*, 3(1), 82-111.
- Garbarino, C. (2011). Aggressive Tax Strategies and Corporate Tax Governance: An Institutional Approach. *European Company and Financial Law Review*, 8(3). doi: 10.1515/ecfr.2011.277
- Ghaderi, B., Didar, H. & Kafami, M. (2019). Investigating the Relationship between Political Expenditures and the Tax Gap. *Empirical Accounting Research*, 8(32), 161-193. (In Persian).
- Ghaznavi, R., Ahangri, M., Vaghfi, S.H. & Ghaznavi, M. (2018). Investigate The Relationship Between the Tax Avoidance and Earnings Management and Stock Price Crash Risk by Emphasizing Role of Powerful CEOs the Tax Avoidance and

- Earnings Management. *Journal of New Researches in Accounting and Auditing*, 2(1), 111-134. (In Persian).
- Goh, B. W., Lee, J., Lim, C. Y., & Shevlin, T. J. (2016). The effect of corporate tax avoidance on the cost of equity. *The Accounting Review*, 91(6), 1647-1670.
- Guenther, D. A., Matsunaga, S. R., & Williams, B. M. (2016). Is Tax Avoidance Related to Firm Risk? *The Accounting Review*, 92 (1), 115-136.
- Jahanshad, Azita and Mohammadipour, Omid (2015). The Impact of Ownership Structure on the Relationship between Tax Avoidance and Real Profit Management, M.Sc. Thesis, Islamic Azad University, Central Tehran Branch. (In Persian).
- Hasan, M.M., Lobo G. J. & Qiu, B. (2021). Organizational capital, corporate tax avoidance, and firm value. *Journal of Corporate Finance*, 70. doi.org/10.1016/j.jcorpfin.2021.102050.
- Hassani, M; Zamanian, M, Rahimi, Z (2015). Tax capacities of Iran's economy; Challenges and development strategies. Deputy Director of Research, Planning and International Affairs of the Tax Administration of the country. (In Persian)
- Hasas Yeghaneh, Y. and Rezaei, S. (2018). A Model for Impact of Corporate Social responsibility and Tax Management costs on Avoidance and Tax Evasion. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 15(58), 27-58. (In Persian).
- Hosseinzadeh, A., Hajiha, Z, Mousavi Shiri, SM & Nikomram, H. (2020). Investigating the Convergence of Reflective and Combined Criteria of Profit Quality in Reaction to Managers' Motivational Components. *Management Accounting*, 13(45), 91-106. (In Persian)
- Hutchens, M., & Rego, S. O. (2015). Tax Risk and the Cost of Equity Capital. Working paper, Indiana University Income Numbers. *Journal of Accounting Research*, 6, 53-74.
- Kanagaretnam, K., Lee, J., Lim, C.Y., & Lobo, G, J. (2018). Societal Trust and Corporate Tax Avoidance. *Review of Accounting Studies*, 23, 1588-1628.
- Karami, G., Firooznia, A. & Kalthornia, H. (2020). The importance of quality internal information environment in tax avoidance, *Quarterly Journal of Financial Accounting and Auditing Research*, 12(45), 47-79. (In Persian)
- Khajavi, Sh. & Kiamehr, M. (2015). Investigating the Relationship between Audit Quality and Tax Avoidance in Companies Listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Tax Research*, 26, 87-108. (In Persian).
- Khoshhal, F. & Khoshhal, A. (2020). Challenges for Citizenship Rights and Taxpayers. *Journal of Tax Research*, 27 (44), 167-185. (In Persian).
- Kim, J., Li, Y. and Zhang, L. (2011). Corporate Tax Avoidance and Stock Price Crash Risk: Firm-Level Analysis, *Journal of Financial Economics*, 100(3), 639-662
- Kothari, S.P., Leone, A., Wasley, C. (2005). Performance matched discretionary accrual measures. *Journal of Accounting and Economics*, 39 (1): 163-197.
- Lanis, R, & G. Richardson. (2011). the effect of board of director composition on corporate tax aggressiveness. *Journal of Accounting and Public Policy*. 30 (1), 50-70.

- Lanis, R. Richardson, G. (2013). Corporate Social responsibility and tax aggressiveness: a test of legitimacy theory. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 26(1), 75-100.
- Leuz, C., Nanda, D. and Wysocki, P. (2003). Earning Management and Investor Protection: an International Comparison. *Journal of Financial Economics*, 69, 505-527.
- Malekian, E., Salmani, R. & Shahsavari, M. (2016). Study of the relationship between governmental and institutional ownership with corporate social responsibility (Companies listed on the Tehran Stock Exchange). *Journal of Investment Knowledge*, 5(17), 55-74. (In Persian)
- Mansourfar, G.; Ghayyur, F. & Abbasi Molan, B. (2018). The Relationship between Tax Aggressiveness and Financial Leverage of Companies Listed in Tehran Stock Exchange. *Tax Research Journal*, 26 (37), 173-197. (In Persian).
- Mashayekhi, B. & Deldar, M. (2016). Tax Management and Earnings Management in Business Groups, *Journal of Accounting Knowledge*, 7(26): 33-56. doi: 10.22103/JAK.2016.153. (In Persian).
- McGuire, Sean T., Neuman, Stevanie S. & Omer, Thomas C. (2013). Sustainable Tax Strategies and Earnings Persistence. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1950378>. doi:10.2139/ssrn.195038.
- Mohammadi Asl, N, Mansourfar, Gh, & Shahbazi, K. (2018). Investigation of profit quality behavior in business cycles using mild panel regression method. *Accounting and Auditing Reviews*, 25 (1), 113-134. (In Persian).
- Nebus, J. (2019). Will tax reforms alone solve the tax avoidance and tax haven problems? *Journal of International Business Policy*, 2(3), 258–271.
- Nobakht, Y., Nobakht, M. (2021). The Impact of Avoiding Tax on Accounting and Economic Firm Performance Criteria: Evidence from Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting and Social Interests*, 11(2), 21-429. (In Persian).
- Pais, C., Dias, C.A. (2022). The implications of book-tax conformity and tax change for the earnings management of Portuguese micro firms, *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, Volume 46, <https://doi.org/10.1016/j.intaccudtax.2022.100448> .
- Parhizgari, Seyed Vahidreza (2020). Reducing the share of taxes in the 1400 budget bill to the lowest level in the last decade, tax analysis report, economic path, media of Iranian economic decision makers. (In Persian).
- Pourheidari, O; Fadavi, M. & Aminiya, M. (2014). Investigating the effect of tax avoidance on financial reporting transparency. *Journal of Economic Research*, 14 (52), 69-85. (In Persian).
- Pourhaidari, O. and Shafiei Hemmatabad, H. (2013). The Impact of Corporate Tax Rate Change for Earnings Management: The Case Study Reform Taxation Act in 2001, *Journal of Applied Reaserch in Financial Repoting*, 2(1), 25-44. (In Persian).

- Rego, S. & Wilson, R. (2012). Equity risk and corporate tax aggressiveness. *Journal of Accounting Research*, 50(3), 775-810.
- Rostamian, F., Khodaei valeh zaghari, M. & Haidar, M. (2011). The relationship between profit quality characteristics and performance. *Financial accounting and auditing research*, 3(12), 79-112. (In Persian).
- Seddighi, R. (2020). Auditor Quality, Earning Management and Tax Avoidance. *Accounting and Auditing Research*, 12(46), 169-186 .doi: 10.22034/iaar.2020.112787. (In Persian).
- Schipper, K. (1989). Earnings management. *Accounting Horizons*, 3, 91-106.
- Sepasi, S., & Fathi, Z. (2015). The Impact of Corporate Governance on the Tax Reduction Accrual Policy of Companies Listed on the Tehran Stock Exchange. *Management Accounting*, 8(25), 49-59. (In Persian).
- Tahmasebi khorneh, S., Heydar, B. (2021). An investigation of the Interaction Relationship between Tax Avoidance and Stock Returns Using the Simultaneous Equation Method (3SLS). *Journal of Accounting and Social Interests*, 11(1), 43-59. (In Persian).
- Torabi Jahromi, K (2017). Investigating the Impact of Social Responsibility on Professional Commitment and Tax Fraud by Considering the Role of Ethical Judgments of Commercial Accountants in Fars Province. *Fifth International Conference on Research Approaches in Humanities and Management*. (In Persian).
- Wilson, R.J. (2009). An Examination of Corporate Tax Shelter Participants. *The Accounting Review*, 84, 969-999.
- Yu, X., Yao, Y., Zheng, H. & Zhang, I. (2019). The role of political connection on overinvestment of Chinese energy firms. *Energy Economics*, <https://doi.org/10.1016/j.eneco.2019.104516>.
- Zargaran Yazd, H. (2013). The Relationship between Earnings Quality and Book-Tax Difference, M.Sc. Thesis, University of Tehran. (In Persian)